یادداشت

مدیریت به‌وقت بحران

ادامه از صفحه اول

در آبان ۱۴۰۴، رئیس‌جمهور به خودروسازان یک سال فرصت داد تا برای بهینه‌سازی موتور و کاهش مصرف سوخت اقدام کنند و از پیامدهای عدم تحقق این هدف در تخصیص ارز و مجوز تولید سخن گفت. حالا در سالگرد آن اولتیماتوم، پرسش این است که چه میزان از اهداف تعیین‌شده محقق شده و با تعهدات برزمین‌مانده چه برخوردی شده است؟ در نهایت، شهروندی که ناچار است خودرویی فرسوده و پرمصرف براند، تاوان ناترازی انرژی را از سفره خود می‌پردازد. آیا هزینه بحران به‌عدالت میان همه بازیگران تقسیم می‌شود، یا بار سنگین آن بر دوش ضعیف‌ترین حلقه‌های جامعه می‌افتد؟ اما سوراخ‌های انبار فقط به خطوط انتقال سوخت و شبکه‌های قاچاق محدود نمی‌شوند؛ گاه منابع کشور از منافذی کم‌صداتر هدر می‌روند؛ از تعارض منافع در زنجیره تأمین و قراردادهای صنعتی تا سهم‌خواهی‌های سیاسی در انتصاب مدیران. طرح پرسش‌هایی در مجلس درباره تعارض منافع احتمالی در واگذاری مدیریت ایران‌خودرو به مجموعه‌ای مرتبط با صنعت قطعه‌سازی، نمونه‌ای از اهمیت همین موضوع است؛ پرونده‌ای که تشخیص تخلف در آن نیازمند بررسی مستقل و رسیدگی قانونی است.

با این حال، پرسش اصلی فراتر از یک شرکت یا یک انتصاب است: چگونه می‌توان مطمئن شد کسی که درباره منافع عمومی تصمیم می‌گیرد، خود یا ذی‌نفعان نزدیکش از همان تصمیم منتفع نمی‌شوند؟ در شرایطی که برای هر لیتر سوخت و هر دلار ارز محدودیت داریم، بستن منافذ تعارض منافع نباید به فردای عبور از بحران موکول شود؛ این کار، خودِ مدیریت بحران است.

مسئولیت انتخاب یک مدیر نیز با امضای حکم و دفاع از رزومه او در روز نخست پایان نمی‌یابد، بلکه درست از همان لحظه آغاز می‌شود. رئیس‌جمهور در آبان ۱۴۰۴، در دفاع از انتصاب اسماعیل سقاب‌اصفهانی، تصریح کرده بود که تحلیل‌ها و تسلط تیم و شخص او را «جامع‌تر، دقیق‌تر و کارآمدتر» یافته است. اکنون وقت آن است که بپرسیم آن برنامه چه اهدافی داشت و چه میزان از آن محقق شده است؟ همان‌طورکه «مارک بوونر» در تبیین مفهوم پاسخ‌گویی یادآور می‌شود، مسئولیت‌پذیری رابطه‌ای نهادی است که در آن مقام مسئول باید در برابر مرجع پاسخ‌خواه توضیح دهد، عملکرد او قابل ارزیابی باشد و با پیامدهایش مواجه شود. اگر مدیری برنامه‌ای عرضه کند و یک سال بعد، بی‌آنکه شاخصی برای سنجش موفقیتش در کار باشد، صرفا به شرح دشواری‌های مسیر بسنده کند، دیگر چه مرزی میان «مدیریت بحران» و «گزارشگری بحران» باقی می‌ماند؟

راه برون‌رفت از این بن‌بست، نه برپایی قرارگاه‌های تازه است و نه افزودن چند شورای تشریفاتی به انبوه ساختارهای موجود. در دانش مدیریت بحران، «آرین بوین» و همکارانش میان شناخت بحران، تصمیم‌گیری، ایجاد فهم مشترک، پاسخ‌گویی و اصلاح تمایز می‌گذارند؛ یعنی روایت بحران تنها خشت اول است، نه تمام بنا. از سوی دیگر، «دیوید اسنودن» و «مری بون» گوشزد می‌کنند که مسائل پیچیده را نمی‌توان با نسخه‌های ساده حل کرد. دولت در این شرایط بیش از مدیرانی که مدعی دانستن همه پاسخ‌ها هستند، به مدیرانی نیاز دارد که دانش پراکنده جامعه را گرد آورند، تضارب آرای کارشناسی را تاب بیاورند و تصمیم‌های خود را بر پایه شواهد اصلاح کنند.

ترجمه عملی این رویکرد، شفاف‌سازی داده‌ها، گشودن درهای تصمیم‌سازی به‌روی نخبگان مستقل و سنجش پیشینی پیامدهای اجتماعی و اقتصادی هر تصمیم است. برای هر سیاست باید متولی مشخص، هدف قابل سنجش و موعد ارزیابی تعیین شود تا در صورت ناکارآمدی، مسیر اصلاح شود و در صورت قصور، نشانی پاسخ‌گویی روشن باشد. دعوت از کارشناسان هم نباید به ابزاری برای تقسیم تقصیر تبدیل شود؛ خرد جمعی برای ارتقای کیفیت تصمیم است، نه پوششی برای سلب مسئولیت از تصمیم‌گیرنده. در عین حال، باید میان ناکامی ناشی از شرایط خارج از اختیار و خطای قابل پیشگیری تفاوت گذاشت؛ وگرنه ترس از مجازات، جای جسارت تصمیم‌گیری را خواهد گرفت.

معیشت میلیون‌ها ایرانی، آزمایشگاهی برای آزمون و خطای نسخه‌های شتاب‌زده نیست. مردم واقعیت تحریم، جنگ و تنگناها را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند؛ اما دیدن چرخ پنچر نظام اداری و ائتلاف منابع، هم‌زمان با دعوت مردم به ریاضت، پرسش‌هایی جدی درباره عدالت و کارآمدی حکمرانی ایجاد می‌کند. رئیس‌جمهور به‌درستی تأکید کرده‌اند که «مسئولیت‌پذیری بدون توجه به مشکلات مردم معنایی ندارد». ترجمه عملی این سخن آن است که دولت پیش از هر توصیه‌ای به شهروندان برای تحمل کمبودها، سراغ بستن سوراخ‌های انبار برود.

گربه نازپرورده خانه ما هم پیش از آنکه بار دیگر با آن چشمان شرمسار از اهل خانه پوزش بخواهد، بهتر است به جای تشریح تاریخچه موش‌ها و دشواری شکارشان، کمی هم به سوراخ‌های انبار توجه کند؛ چراکه مولانا قرن‌ها پیش در دفتر اول مثنوی، مسئله را روشن‌تر از هر گزارش مدیریتی صورت‌بندی کرده است:

ما در این انبار گندم می‌کنیم/ گندم جمع‌آمده گم می‌کنیم
می‌نیندیشیم آخر ما به هوش/ کاین خلل در گندم است از مکر موش
موش تا انبار ما حفره زده است/ وز فَنَش انبار ما ویران شده است
اول ای جان دفع شرِ موش کن/ وانگهان در جمع گندم، جوش کن

ایران در گردونه مناسبات آمریکا، چین و روسیه

آیا معامله‌ای در کار است؟



علیرضا سلطانی

با نزدیک‌شدن دیدار و گفت‌وگوی رهبران سه قدرت جهانی، یعنی آمریکا، چین و روسیه، در چین این پرسش مطرح شده که آیا مسئله ایران می‌تواند به موضوع دادوستد میان قدرت‌های بزرگ تبدیل شود؟ تحلیل واقع‌بینانه نشان می‌دهد پاسخ، دست‌کم در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، منفی است. برای فهم این وضعیت باید سه سطح را از هم تفکیک کرد: جایگاه پرونده ایران در نظام حکمرانی آمریکا، منطق معامله میان قدرت‌های بزرگ و منافع ناهمسان چین و روسیه در قبال این بحران.

نخستین محور، اهمیت مسئله ایران برای نظام حکمرانی آمریکاست. این نظام، با راهبرد شخص ترامپ، در میانه پروژه‌ای قرار دارد که نتیجه آن فقط برای ترامپ و جمهوری‌خواهان اهمیت ندارد، بلکه برای کل ساختار سیاسی آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت حائز اهمیت است. اعتبار بین‌المللی واشینگتن و جایگاه آن در برابر دیگر قدرت‌ها تا حد زیادی به سرانجام این پرونده گره خورده است. به همین دلیل، حتی اگر پس از شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای، روند و ماهیت سیاست‌گذاری آمریکا، به‌ویژه در عرصه سیاست خارجی، دستخوش تغییراتی شود، این امر به معنای از میان رفتن یا حتی کاهش احتمال جنگ با ایران نیست. منطق نهادی حفظ اعتبار، فراتر از ترکیب حزبی کنگره عمل می‌کند و ادامه فشار بر ایران را در دستور کار نگه می‌دارد.

دومین محور، منطق معامله میان قدرت‌های بزرگ است. این واقعیت که قدرت‌ها در بزنگاه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بر سر چالش‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم درگیر آن هستند، معامله می‌کنند، انکارشدنی نیست؛ اما این معامله‌گری حدی دارد و آن حد، ماهیت موضوع است. مسائلی که جنبه حیثیتی، تاریخی و اعتباری یافته‌اند، به‌سادگی قابل مبادله نیستند. چین نمی‌تواند بر سر تایوان معامله کند؛ زیرا این موضوع با مشروعیت سیاسی و یکپارچگی ملی‌اش پیوند خورده است. روسیه نیز نمی‌تواند به‌آسانی بر سر اوکراین مصالحه کند؛ چراکه هزینه‌های سنگین سیاسی، اقتصادی و امنیتی پرداخته و بازگشت بدون دستاورد را دشوار کرده است. اگر چنین معامله‌ای ممکن بود، در سال‌ها و دوره‌های پیشین انجام می‌شد و این کشورها خود را درگیر هزینه‌های امروز نمی‌کردند. مسئله ایران برای آمریکا نیز در همین دسته قرار می‌گیرد. گستره سیاسی و بین‌المللی این پرونده، پیشینه تاریخی تقابل و پیوندهای اقتصادی و انرژی‌ای که به آن وابسته است، آن را از یک موضوع حاشیه‌ای به مسئله‌ای نسبتا حیثیتی ارتقا داده است. در نتیجه، هزینه معامله بر سر آن برای نظام حکمرانی کنونی آمریکا، دست‌کم تا پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، بسیار بالا رفته است. به همین دلیل نمی‌توان انتظار داشت که در نشست پیش‌رو یا گفت‌وگوهای بعدی، توافق یا دادوستدی درباره ایران میان قدرت‌های بزرگ حاصل شود. الگوی رایج در روابط قدرت‌های بزرگ این است که معامله بر سر موضوعات حیاتی و اعتباری، یا پس از آن صورت می‌گیرد که هر طرف به دستاوردهای اصلی و تعریف‌شده خود رسیده باشد یا اینکه تنها به موارد حداقلی و حاشیه‌ای محدود می‌شود. هیچ‌یک از این دو شرط در مورد ایران هنوز محقق نشده است.

سومین محور، ناهمسانی منافع چین و روسیه در این پرونده است. برای چین، ادامه بحران پیرامون ایران هزینه‌زا بوده؛ زیرا بی‌ثباتی در بازار انرژی و اختلال در مسیرهای تأمین، بر اقتصاد وابسته به واردات انرژی این کشور فشار وارد می‌کند. با این همه، این هزینه موجب نشده و نمی‌شود که پکن برای حفظ منافع ایران از واشینگتن امتیاز بگیرد یا امتیازی از دست بدهد. چین بخشی از این زیان را از مسیرهای دیگر، به‌ویژه از طریق روسیه، جبران کرده است؛ اما این تاب‌آوری محدود است و پکن در میان‌مدت نمی‌تواند شرایط کنونی را بدون آسیب جدی تحمل کند. ازاین‌رو، انتظار دارد آمریکا هرچه سریع‌تر به وضعیت موجود پایان دهد. نکته شایان تأمل این است که این پایان لزوما از مسیر محاصره و تحریم نخواهد بود، بلکه می‌تواند از طریق جنگ رقم بخورد. محاصره و فشار اقتصادی طولانی‌مدت برای چین و بسیاری از کشورهای دیگر پرهزینه است و همین ملاحظه می‌تواند آمریکا را به اتخاذ تصمیمی سخت، یعنی بازگشت به گزینه نظامی برای دستیابی به امتیازات مدنظر از ایران سوق دهد.

برای روسیه، تصویر متفاوت است. مسکو از تداوم تحریم و محاصره ایران سود می‌برد. این وضعیت از یک سو موقعیت روسیه را در جنگ علیه اوکراین تقویت می‌کند؛ چون توجه و منابع آمریکا را میان چند جبهه تقسیم می‌کند. از سوی دیگر، در بازار نفت به سود صادرکنندگان رقیب ایران تمام می‌شود و روسیه را در دورزدن تحریم‌های خود یاری می‌دهد. بنابراین روسیه انگیزه چندانی برای پایان‌دادن سریع به این وضعیت ندارد و حتی ممکن است ادامه آن را به نفع خود بداند.

این تفاوت در محاسبه‌ها نکته‌ای تعیین‌کننده است. منافع قدرت‌های بزرگ در موضوع ایران نه هماهنگ است و نه یکسان. چین خواهان پایان نسبتا سریع بحران است، روسیه از تداوم آن منتفع می‌شود و آمریکا به دلیل ملاحظات اعتباری نمی‌تواند بدون دستاورد از آن عبور کند. چنین ترکیبی از منافع متعارض، گذار از شرایط سخت کنونی را پیچیده و حتی پرهزینه کرده و سناریوی برخود نظامی را تقویت می‌کند.

نتیجه عملی این تحلیل برای ایران روشن است: تهران نمی‌تواند در رویارویی با آمریکا روی حمایت قدرت‌های بزرگی همچون چین و روسیه حساب باز کند. پکن و مسکو هر دو بر پایه محاسبه منافع خود رفتار می‌کنند و موضع‌گیری‌شان در قبال ایران تابعی از هزینه و فایده‌ای است که برای خودشان دارد. چین، با وجود زیان‌های ناشی از بحران، حاضر نیست برای ایران از روابط خود با آمریکا بگذرد و روسیه از فشار بر ایران بهره می‌برد. در چنین شرایطی، اتکای راهبردی به این دو قدرت می‌تواند به خطای محاسباتی منجر شود. آنچه برای ایران اهمیت دارد، ارزیابی دقیق شکاف منافع میان بازیگران، تکیه بر توان و ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای و تنظیم رفتار دیپلماتیک و بازدارنده بر مبنای این فرض است که بحران بدون یک توافق جهانی و صرفا بر اساس موازنه منافع و هزینه‌های هر بازیگر پیش خواهد رفت.

درباره تغییر نام پهنه آبی شمال ایران

ادامه از صفحه اول

از سویی، نام کاسپین نه‌تنها در یونان، بلکه در نقشه‌های رومی مانند Tabula Peutingeriana و نقشه‌های قرون وسطی و رنسانس اروپا (نقشه‌های بطلمیوسی) به‌عنوان تنها نام استاندارد این دریا ثبت شده است. بر این اساس، عنوان و نام کاسپین دست‌کم از دوهزارو ۵۰۰ سال پیشینه مکتوب در سنت جغرافیایی جهانی برخوردار است. ارزش استدلالی برجسته نام کاسپین، پیوند بی‌واسطه آن با اقوام بومی حوزه جغرافیایی ایران باستان است. برخلاف نام‌های وارداتی، قوم کاسپی بخشی از جغرافیای انسانی تاریخی جنوب و غرب این دریا بوده است؛ طرفه اینکه در پیوند با ریشه‌های زبانی بومی، در برخی گویش‌های کرانه جنوبی (مانند گیلکی) واژه «کاس» به معنای چشم‌روشن/ روشن‌چهره حفظ شده که اشاره‌ای بومی به تبارشناسی این اقوام است.

«هیرکانی»؛ نام باستانی هم‌پیوند با جغرافیای ایران

در کنار کاسپین، «هیرکانی» (Hyrcania) نیز نامی کهن برای این دریاست. استرابون (جغرافی‌دان برجسته سده اول پیش از میلاد) در کتاب یازدهم جغرافیا به صراحت تصریح می‌کند که این پهنه آبی «دریای هیرکانی» نیز خوانده می‌شود. این نام برگرفته از ایالت باستانی «ورکانه» (گرگان امروزی) در جنوب شرقی دریاست. امروزه اصطلاح هیرکانی در ثبت جهانی میراث طبیعی (ازجمله جنگل‌های هیرکانی) استمرار یافته که بیانگر اصالت این نام در جغرافیای زیستی ایران است.

آسیب‌شناسی کاربست نام «خزر»

نام «خزر» برگرفته از نام قوم خزارها، چادرنشینان غیرایرانی و غیربومی منطقه ولگا و شمال قفقاز است. این قوم نه‌تنها تبار یا سکونتگاهی در کرانه‌های جنوبی دریا (ایران) نداشته است، بلکه در دوران ساسانیان و قرون نخستین اسلامی بارها به مرزهای شمالی ایران تاخته‌اند. اگرچه این نام به دلایل غلبه سیاسی و مبادلات تاریخی در برخی متون جغرافیای دوره اسلامی رواج یافت، اما اعطای «هویت ملی و رسمی» به نام یک قوم غارتگر و غیربومی، واجد اشکال تاریخی و هویتی است. علاوه بر این، در دهه‌های اخیر، تأکید ویژه بر واژه «خزر» در جغرافیای سیاسی منطقه‌ای، تا حدی متأثر از رویکردهای قوم‌گرایانه حاشیه‌ای برای گسست هویتی از عقبه تاریخی ایران بوده و تداوم استفاده بی‌ضابطه از این نام در متون رسمی ایران، عملا صحه‌گذاشتن بر این روند مغلوط است.

رویه حقوق بین‌الملل، اسناد سازمان ملل و ادبیات علمی

یکی از محکم‌ترین ادله برای ترجیح نام کاسپین، رویه تثبیت‌شده بین‌المللی و ادبیات حقوق دریاهاست:

نخست. اسناد و کنوانسیون‌های حقوقی: تمام معاهدات بین‌المللی مرتبط با حقوق دریاها و این پهنه آبی، نام «Caspian» را به‌عنوان تنها عنوان حقوقی بین‌المللی به رسمیت شناخته‌اند. شاخص‌ترین نمونه آن، «کنوانسیون تهران» (۲۰۰۳) و «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین» (۲۰۱۸- اکتائو) است. ایران خود یکی از امضاکنندگان اصلی این اسناد بین‌المللی بوده که در متن رسمی آنها عنوان Caspian Sea تثبیت شده است. با توجه به اینکه نام بین‌المللی این دریا برگرفته از قوم ایرانی‌تبار «کاسپی» است، استفاده از «کاسپین» در زبان فارسی، بازگرداندن نام بین‌المللی به اصل ایرانی خود محسوب می‌شود.

دوم. سازمان‌های بین‌المللی: برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP)، کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا (UNECE)، آژانس فضایی اروپا (ESA) و نهادهای علمی جهان (یونسکو و دانشنامه‌های آکسفورد و ایرانیکا) همگی اصطلاح Caspian Sea را به‌عنوان اصطلاح ترجیحی (Preferred Term) به کار می‌برند.

سوم. استانداردسازی و هم‌گرایی اصطلاح‌شناختی: گروه کارشناسان سازمان ملل در نام‌های جغرافیایی (UNGEGN)، طبق قطع‌نامه‌های کنفرانس‌های سازمان ملل برای استانداردسازی نام‌های جغرافیایی استانداردسازی ملی و یکپارچه‌سازی اصطلاحات برای ارتباط علمی و نقشه‌برداری را توصیه می‌کند. انتساب نام بین‌المللی (Caspian) به یک ریشه قومی-جغرافیایی ایرانی (قوم کاسپی)، قوی‌ترین دلیل برای یکسان‌سازی ترمینولوژی داخلی و خارجی ایران است.

چهارم. لزوم نمایه‌سازی و بازیابی اطلاعات (Indexing&Searchability): در استاندارد بین‌المللی علم‌سنجی (ISI,Scopus,PubMed)، واژه کلیدی استاندارد Caspian Sea است. استفاده از ترجمه مستقیم «دریای کاسپین» در چکیده‌ها و متون علمی فارسی، تطابق ترمینولوژیک (Terminological Consistency) و بازیابی مقالات پژوهشگران ایرانی در موتورهای کاوش جهانی را تسریع و تسهیل می‌کند.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

یادداشت

تحدید بیشتر روزنامه‌نگاری

ادامه از صفحه اول

این طرح نافی استقلال روزنامه‌نگاری است. در ماده ۵۱ آمده است: «کلیه استعلامات و تأیید صلاحیت نامزدهای انتخابات سازمان و افراد منتخب به موجب این قانون بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شامل استعلامات سه‌گانه (دادستانی، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات) است». روزنامه‌نگاری می‌تواند در سازمان حرفه‌ای صنف خود سمت‌های مدیریتی بگیرد که از سوی این نهادها تأیید شود. نهاد صنفی روزنامه‌نگاری باید به دست کسانی اداره شود که مورد تأیید ساختار حکومتی هستند. ماده ۵۲ نیز به شکل دیگری روزنامه‌نگاری را در اختیار سازمان حکومتی قرار می‌دهد. طبق این ماده، «شناسایی خبرنگاران تا تشکیل هیئت صدور کارت خبرنگاری برای برگزاری مجمع و تأیید صلاحیت داوطلبان برای کلیه انتخابات(ها) در مجمع عمومی بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است». این یک فیلتر مضاعف برای کنترل بیشتر نهاد صنفی است. وزارت ارشاد می‌تواند به‌سادگی کسانی را به‌عنوان روزنامه‌نگار شناسایی و دست‌چین کند که نزد نهادهای رسمی مقبولیت دارند و حرف‌گوش‌کن آنها هستند. در نتیجه، از همان قدم اول آنچه را که سازمان نظام خبرنگاری نام گذاشته‌اند، نه نهادی صنفی و حرفه‌ای، بلکه نهادی در اختیار ساختار قدرت است. مداخله دولتی در این سازمان صنفی به این موارد خلاصه نمی‌شود. طبق ماده ۲۹، رسیدگی به تخلفات حرفه‌ای بر عهده هیئتی است که چهار نفر از هفت عضو (اکثریت) آن، یا از کارکنان دستگاه‌های حکمرانی هستند (مدیر کل ارشاد استان و قاضی) یا منصوب مقامات رسمی (مدیرمسئول به انتخاب هیئت نظارت بر مطبوعات -در عرف حرفه‌ای و ضوابط قانونی مدیرمسئول روزنامه‌نگار نیست- و یک عضو هیئت‌منصفه). چینش این ترکیب که از بیرون از حرفه وارد می‌شوند و اصول و مقتضیات روزنامه‌نگاری هم نمی‌دانند، به معنای گرایش قوی به سلب استقلال روزنامه‌نگاری است. در هیئت تجدیدنظر هم باز اکثریت اعضای هیئت (سه نفر) از مقامات رسمی هستند نه روزنامه‌نگار. این سازمان قرار است برای خبرنگاران پروانه خبرنگاری صادر کند. تبصره ۲ ماده ۳۸ آزادی حرفه روزنامه‌نگاری را از بین برده و «اشتغال به حرفه خبرنگاری... منوط به اخذ پروانه خبرنگاری است»؛ یعنی کسی که از این سازمان ماهیتا دولتی پروانه خبرنگاری ندارد، ممنوع از روزنامه‌نگاری است. به‌طور خلاصه، این طرح بدون هرگونه شناختی از حرفه روزنامه‌نگاری، در مغایرت با حقوق اساسی ملت با نقض حق آزادی بیان، حق استقلال حرفه‌ای و حق امنیت حرفه‌ای ایجاد سازمانی است تحت اراده ساخت قدرت که روزنامه‌نگاری را تحت سلطه ساختار درآورد. این نوع مقابله با روزنامه‌نگاری آزاد و مستقل کشور مسبب اصلی خروج مرجعیت رسانه‌ای از کشور به نفع رسانه‌های فارسی‌زبان فرامرزی است که به زیان منافع ملی کشور تمام می‌شود. بجاست که مرکز پژوهش‌های مجلس اعتبار کارشناسی خود را قربانی این طرح نکند. غیر از آنچه گفته شد و غیر از ایرادهای ادبی و نگارشی، طرح سازمان نظام خبرنگاری دارای حداقل ۲۱ ایراد حقوقی دیگر نیز هست که در مجال مناسب مطرح خواهند شد.

جدول ۵۴۶۲ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- از اندام گفتاری- آلوده به ننگ- فاقد اصالت خانوادگی ۲- اصطلاحی در ورزش کشتی- فرمان دوچرخه- منت‌گذارنده ۳- دربازکن برقی- خودخواهی- قسم ۴- اهل سرزمین گل‌ها- واحد طول انگلیسی- درون دهان ۵- ژانری سینمایی- رود جاری در خراسان شمالی- نماز را باطل می‌کند ۶- مفلوج- آشنا- برای خدا شریک قائل است ۷- سیدها- عماد- گریه با سوز و گداز ۸- رمانی به قلم کورمک مک کارتی، نویسنده آمریکایی ۹- وسط- خوشبخت- ویران‌شده ۱۰- نزدیک‌بین- دست‌آموز- شماره ردیف بعدی ۱۱- عزیز مادربزرگ و پدربزرگ- پسر کاوه آهنگر- اتاقکی برای نگهداری وسایل اضافی ۱۲- میوه- عیدانه- راه آشکار ۱۳- چند لایحه- مادر حضرت محمد(ص)- بی‌سروصدا ۱۴- به‌کاربستن قانون- اندیشمندان- گل آپارتمانی زیبا ۱۵- خوش‌آوازه- راضی و خشنود- سوسن زرد

عمودی:

۱- بزرگ‌ترین شهر ایالت کالیفرنیا- از جذاب‌ترین مقاصد کوهنوردی جهان در مرز فرانسه و ایتالیا ۲- در زمستان می‌بارد- روزنامه چاپ ژاپن- بچه کنجکاو و پرتحرک ۳- گواه- نوعی شیپور- آهارزده ۴- عبادت غیرواجب- از جنس آهن- واضح و آشکار ۵- ماده اولیه تولید پارچه- صبحانه‌نخورده- بی‌حیا ۶- دینداری- سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان- دهان ۷- زاپاس- ماقبل پیشین- پایتخت عربستان سعودی ۸- نژاد، تبار- شهر انجیر در فارس- داستانی کوتاه نوشته آنتوان چخوف ۹- نان خردشده در آبگوشت- شیفته و شیدا- رمانی نوشته رضا امیرخانی ۱۰- پاسخ منفی- قومی از نژاد آریایی- آشیانه ۱۱- یاغی و نافرمان- پهنه و گستره- دشمن سرسخت ۱۲- جلوه- ماده اولیه چسب و رنگ- باکتری میله‌ای‌شکل ۱۳- پیکار- پاورقی- پاسبان قدیم ۱۴- ینگه دنیایی- جاسوس و خبرچین- تنبل جالیزی ۱۵- آکروباسی- چیزهای ضروری و لازم

حل سودوکو ۴۴۵۷

۹	۱	۶	۵	۷	۸	۴	۳	۲
۸	۴	۷	۹	۳	۲	۵	۶	۱
۳	۵	۲	۶	۱	۴	۷	۸	۹
۱	۲	۳	۷	۸	۵	۹	۴	۶
۵	۸	۹	۳	۴	۶	۱	۲	۷
۶	۷	۴	۲	۹	۱	۸	۵	۳
۲	۹	۱	۸	۵	۳	۶	۷	۴
۷	۳	۵	۴	۶	۹	۲	۱	۸
۴	۶	۸	۱	۲	۷	۳	۹	۵

۸	۲	۳	۵	۶	۱	۹	۴	۷
۶	۵	۹	۲	۷	۴	۸	۳	۱
۴	۷	۱	۳	۸	۹	۲	۵	۶
۱	۳	۴	۸	۲	۶	۷	۹	۵
۵	۹	۶	۷	۱	۳	۴	۸	۲
۷	۸	۲	۹	۴	۵	۱	۶	۳
۳	۴	۵	۱	۹	۲	۶	۷	۸
۲	۶	۸	۴	۵	۷	۳	۱	۹
۹	۱	۷	۶	۳	۸	۵	۲	۴

حل جدول ۵۴۶۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ن	م	د	■	گ	ی	و	ت	ی	ن	■	ت	ش	ن	ج
۲	ک	ا	ل	ی	ن	ک	و	ر	■	گ	ا	و	م	ی	ش
۳	ا	■	ب	ا	ب	ا	■	ک	ل	ا	ه	ک	■	ک	ن
۴	ر	س	ا	ن	د	ن	■	ت	ی	ه	و	■	ت	و	ن
۵	ش	ا	خ	ک	■	ه	ر	ا	ز	■	ا	ن	ب	ی	ا
۶	■	س	ت	ی	غ	■	و	ز	ر	ا	■	ت	ا	ی	پ
۷	ا	و	ه	■	ر	ح	ل	ی	■	ج	م	ر	ه	■	ی
۸	ب	ن	■	ن	ب	و	ت	■	ف	ا	ر	س	■	ن	د
۹	گ	■	ک	ف	ت	ر	■	م	و	ن	و	■	ا	م	ا
۱۰	و	ک	ی	ل	■	ا	پ	ر	ت	■	ه	م	ت	ا	■
۱۱	ش	ب	ا	ه	ت	■	ا	د	ی	ت	■	ه	و	ی	ت
۱۲	ت	ر	ن	■	و	ل	ر	م	■	ک	ی	ش	م	ه	ر
۱۳	ک	ی	■	ت	ب	ا	ه	گ	■	ا	س	ی	ب	■	خ
۱۴	ش	ت	ا	ب	ا	ن	■	ا	ر	م	ا	د	ی	ل	و
۱۵	ک	ی	س	ه	■	ه	ل	ن	ک	ل	ر	■	ل	ب	ن

سودوکو سخت ۴۴۵۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

								۵
				۶		۱	۳	
۱		۲			۸		۷	۶
	۴	۸	۷			۳		
		۷				۹		
		۱			۲	۸	۶	
۸	۳		۹			۷		۱
	۱	۹		۲				
۴								

سودوکو ساده ۴۴۵۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۷			۱	۴		۳		۲
		۶	۲				۷	
		۳			۷			۴
		۸	۴	۱	۵	۶		
۱			۷		۹			۵
		۹	۳	۲	۸	۴		
۴			۸			۱		
	۳				۴	۲		
۹		۲		۵	۱			۳